

با توجه به شرح مواد قانونی در این کتاب، فهرست با توجه به عناوین عقود معین اذنی و وثیقه‌ای و مواد قانون مدنی آورده شده است.

فهرست مطالب



مقدمه	۱۵
فصل اول: عقد ودیعه	۱۹
مبحث اول: تعریف ودیعه و رکن آن:	۱۹
مبحث دوم: ایجاب و قبول در عقد ودیعه	۲۰
مبحث سوم: مالکیت یا مأذونیت مودع	۲۰
مبحث چهارم: اهلیت طرفین در عقد ودیعه	۲۱
مبحث پنجم: جواز عقد ودیعه	۲۲
مبحث ششم: حفاظت از مال مورد ودیعه	۲۲
۱- ترتیب حفاظت از مال مورد ودیعه	۲۳
۲- مسئولیت مودع (امین)	۲۳
۳- اثر قوه قاهره در عقد ودیعه	۲۴
مبحث هفتم: امتناع از تحویل مال مورد ودیعه و اثر آن	۲۴
مبحث هشتم: انتفاع و تصرف در مال مورد ودیعه	۲۵
۱- منع امین از به هم زدن صورت مال مورد ودیعه	۲۵
۲- رد عین مال مورد ودیعه	۲۵
۳- رد عین مال مورد ودیعه با حالت موجود	۲۶
۴- تعهد رد عوض مال مورد ودیعه	۲۶
۵- تلف مال مورد ودیعه توسط وراث مودع	۲۷
مبحث نهم: منافع مال مورد ودیعه	۲۷
مبحث دهم: ترتیب تحویل مال مورد ودیعه	۲۸

۲۸.....	۱- مستحق للغير در آمدن مال مورد ودیعه
۲۹.....	۲- فوت امانت گذار و رد مال مورد ودیعه
۲۹.....	۳- فوت امانت گذار و تعدد وراث
۲۹.....	مبحث یازدهم: تغییرات در احوال امانت گذار و آثار آن
۳.....	۱- امانت گذاردن مال محجور
۳۰.....	۲- تحویل مال مورد ودیعه به قیم یا ولی
۳۱.....	مبحث دوازدهم: شرایط مسئولیت مودع و انواع امانت
۳۲.....	مبحث سیزدهم: امانت اموال واردین و شرایط آن
۳۳.....	مبحث چهاردهم: پرداخت هزینه های لازم برای حفاظت مال مورد ودیعه
۳۳.....	مبحث پانزدهم: هزینه تحویل مال مورد ودیعه
۳۵.....	فصل دوم: عقد عاریه
۳۵.....	مبحث اول: تعریف عاریه و تفاوت آن با ودیعه و قرض
۳۵.....	مبحث دوم: اهلیت معیر و شرایط مالکیت وی
۳۶.....	مبحث سوم: شرایط مال مورد عاریه
۳۷.....	مبحث چهارم: جواز عقد عاریه
۳۷.....	مبحث پنجم: عیب مال مورد عاریه و خسارت ناشی از آن
۳۸.....	مبحث ششم: مسئولیت مستعیر
۳۸.....	۱- منقصت ناشی از استعمال مال مورد عاریه
۳۹.....	۳- شرط ضمان منقصت ناشی از صرف استعمال
۴۰.....	۴- عاریه طلا و نقره و شرایط آن
۴۱.....	مبحث هفتم: تحویل مال مورد عاریه
۴۱.....	مبحث هشتم: هزینه های نگهداری و انتفاع از مال مورد عاریه
۴۱.....	مبحث نهم: تصرف غیر در مال مورد عاریه
۴۳.....	فصل سوم: عقد وکالت
	مبحث اول: تعریف عقد وکالت و مقایسه آن با نهادهای مشابه و وکالت در اعمال مادی و
۴۳.....	حقوقی

مبحث دوم: ایجاب و قبول در عقد وکالت	۴۵
مبحث سوم: چگونگی ایجاب و قبول در عقد وکالت	۴۶
مبحث چهارم: مجانی یا با اجرت بودن عقد وکالت	۴۶
مبحث پنجم: انواع وکالت	۴۷
مبحث ششم: حدود وکالت مطلق	۴۸
مبحث هفتم: توانائی موکل در اجرای مورد وکالت و مباشرت موکل	۴۸
مبحث هشتم: خروج وکیل از حدود وکالت	۴۹
۱- وکالت در محاکمه و قبض حق	۵۰
۲- وکالت در بیع و قبض ثمن	۵۰
مبحث نهم: مسئولیت وکیل	۵۱
مبحث دهم: لزوم رعایت مصلحت موکل	۵۱
مبحث یازدهم: حساب مدت وکالت	۵۲
مبحث دوازدهم: تعدد وکلاء و حدود اختیارات آنها	۵۳
۲- لوازم و مقدمات عقد وکالت	۵۴
۳- توکیل در وکالت	۵۴
۴- ضمان در توکیل	۵۵
مبحث سیزدهم: تعهدات وکیل و آثار آن بر موکل	۵۵
۱- مخارج اجرای وکالت توسط وکیل	۵۶
۲- میزان حق الوکاله	۵۷
۳- عدم تصریح مجانی یا با اجرت بودن وکالت در عقد	۵۷
مبحث چهاردهم: طرق انقضای عقد وکالت	۵۷
۱- عزل وکیل	۵۸
۲- تصرفات وکیل پس از عزل	۶۰
۳- استعفاء وکیل	۶۰
۴- محجوریت وکیل و موکل	۶۱
۵- انفساخ عقد وکالت	۶۱

۶۳.....	فصل چهارم: عقد ضمان.....
۶۳.....	مبحث اول: تعریف ضمان، طرفین و انواع آن
۶۵.....	مبحث دوم: رضایت مدیون اصلی در عقد ضمان
۶۵.....	مبحث سوم: اهلیت ضامن
۶۶.....	مبحث چهارم: ضمانت از محجور و میت
۶۶.....	مبحث پنجم: ضمانت از ضامن
۶۷.....	مبحث ششم: تعدد ضامن
۶۷.....	مبحث هفتم: ملائت واعسار ضامن
۶۹.....	مبحث هشتم: سبب ایجاد دین و اثر آن در ضمانت
۷۰.....	مبحث نهم: ضمان مؤجل و حال
۷۰.....	مبحث دهم: مطالبه رهن در عقد ضمان
۷۰.....	مبحث یازدهم: معلوم ومعین بودن دین مورد ضمان
۷۱.....	مبحث دوازدهم: علم ضامن نسبت به مضمون له ومضمون عنه
۷۲.....	مبحث سیزدهم: ضمان از دین با شرایط فسخ
۷۲.....	مبحث چهاردهم: ضمان عهده بایع و مشتری
۷۳.....	مبحث پانزدهم: نقل ذمه به ذمه در عقد ضمان
۷۵.....	مبحث شانزدهم: تعلیق در عقد ضمان وآثار آن
۷۶.....	مبحث هفدهم: تعلیق عقد ضمان به شرایط صحت آن
۷۶.....	مبحث هجدهم: فسخ عقد ضمان
۷۷.....	مبحث نوزدهم: مدت در عقد ضمان
۷۸.....	۱- ضمان حال
۷۸.....	۲- ضمان مطلق
۷۸.....	۳- فوت ضامن در ضمان مؤجل
۷۹.....	مبحث بیستم: ابراء ذمه مضمون عنه در عقد ضمان
۸۰.....	مبحث بیست و یکم: فسخ بیع واثار آن در ضمان درک مبیع
۸۰.....	مبحث بیست و دوم: شرایط رجوع ضامن به مضمون عنه

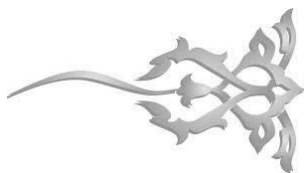
- ۱- حواله دین از جانب ضامن و آثار آن ۸۲
- ۲- تکرار پرداخت دین توسط مضمون عنه بعد از پرداخت ضامن ۸۳
- ۳- وراثت ضامن از مضمون له ۸۴
- ۴- پرداخت ضامن به میزانی کمتر از دین ۸۵
- ۵- پرداخت ضامن به میزانی بیشتر از دین ۸۶
- ۶- پرداخت دین قبل از موعد توسط ضامن ۸۶
- ۷- پرداخت دین بدون مدت توسط ضامن ۸۷
- مبحث بیست و سوم: پرداخت از جانب مضمون عنه ۸۷
- مبحث بیست و چهارم: ابراء ضامن از جانب مضمون له ۸۷
- ۱- آثار ابراء ضامن و پرداخت دین از جانب ثالث ۸۸
- ۲- ضمانت با قصد تبرع ۸۸
- مبحث بیست و پنجم: ضمان عرضی به صورت تسهیم ۸۹
- مبحث بیست و ششم: ضمان طولی ۹۰
- مبحث بیست و هفتم: التزام به تأدیه و مقایسه آن با عقد ضمان ۹۰
- فصل پنجم: عقد حواله ۹۳**
- مبحث اول: تعریف و ماهیت عقد حواله ۹۳
- مبحث دوم: طرفین و ایجاب و قبول در عقد حواله ۹۴
- مبحث سوم: نقش دین در عقد حواله ۹۵
- ۱- حواله بر محال علیه بری الذمه ۹۶
- ۲- ملائت محال علیه در عقد حواله ۹۸
- ۳- اعسار محال علیه و آثار آن ۹۸
- ۴- نقل ذمه به ذمه در عقد حواله ۹۹
- ۵- رجوع محال علیه بری الذمه به محیل ۱۰۰
- مبحث چهارم: شرایط فسخ عقد حواله ۱۰۱
- مبحث پنجم: انحلال عقد منشاء حواله و آثار آن ۱۰۲

فصل ششم: عقد كفالت.....	۱۰۵
مبحث اول تعريف و اوصاف عقد كفالت و تفاوت آن با ضمان و حواله.....	۱۰۵
مبحث دوم: طرفین عقد كفالت.....	۱۰۶
مبحث سوم: حدود ثبوت حق بر عهده مكفول برای صحت عقد كفالت.....	۱۰۷
مبحث چهارم: كفالت مطلق و موقت.....	۱۰۸
مبحث پنجم: كفالت از كفیل.....	۱۰۹
مبحث ششم: احضار مكفول و شرایط آن.....	۱۰۹
۲- وجه التزام در عقد كفالت و انواع آن.....	۱۱۱
۳- محل تسلیم در عقد كفالت.....	۱۱۱
۴- احضار مكفول غائب.....	۱۱۲
۵- شرایط لزوم قبول برای مكفول له.....	۱۱۳
مبحث هفتم: كفالت حكمی.....	۱۱۴
مبحث هشتم: موارد براءت كفیل.....	۱۱۵
مبحث نهم: امتناع مكفول له از قبول.....	۱۱۶
مبحث دهم: اثر فوت مكفول له.....	۱۱۷
مبحث یازدهم: كفالت از یک شخص در برابر چند شخص.....	۱۱۷
مبحث دوازدهم: كفالت طولی.....	۱۱۸
مبحث سیزدهم: شرایط رجوع كفیل به مكفول.....	۱۱۹
فصل هفتم: عقد رهن.....	۱۲۱
مبحث اول: تعريف رهن و ارتباط آن با وثیقه.....	۱۲۱
مبحث دوم: شرایط قبض مال مرهون.....	۱۲۲
مبحث سوم: شرایط مال مرهون.....	۱۲۳
مبحث چهارم: رهن دین و منفعت.....	۱۲۴
مبحث پنجم: شرایط دین در عقد رهن.....	۱۲۵
مبحث ششم: تعدد راهن و مرتهن.....	۱۲۵
مبحث هفتم: وکالت در عقد رهن.....	۱۲۶

۱۲۸.....	مبحث هشتم: شرط عدم فروش مال مرهونه
۱۲۹.....	مبحث نهم: شرایط فروش مال مرهونه و اداء دین
۱۳۰.....	مبحث دهم: حق تقدم مرتهن بر سایر بستانکاران
۱۳۱.....	مبحث یازدهم: افزایش یا کاهش قیمت مال مرهون در فروش
۱۳۳.....	مبحث دوازدهم: افلاس (اعسار) رهن
۱۳۳.....	مبحث سیزدهم: پرداخت مقداری از دین توسط رهن
۱۳۴.....	مبحث چهاردهم: تبدیل عین مرهونه
۱۳۵.....	مبحث پانزدهم: توابع عین مرهونه
۱۳۵.....	مبحث شانزدهم: ثمره و زیادی در مال مرهونه، رهن تصرف و رهن ایجار
۱۳۷.....	مبحث هفدهم: لزوم وجواز عقد رهن
۱۳۸.....	مبحث هجدهم: آثار فوت رهن و مرتهن
۱۴۰.....	مبحث نوزدهم: مسئولیت مرتهن
۱۴۰.....	۱- بقای مال مرهونه در ید مرتهن بعد از انحلال رهن
۱۴۱.....	۲- تلف عین مرهونه
۱۴۱.....	۳- وکالت در فروش در مورد بدل مال مرهونه
۱۴۲.....	مبحث بیستم: تصرفات حقوقی در مال مرهونه
۱۴۴.....	مبحث بیست و یکم: تصرفات مادی در مال مرهونه
۱۴۵.....	منابع

avabook.com

مقدمه



درس حقوق مدنی ۷ یا عقود معین ۲ در گرایش حقوق، راجع است به مبحث عقود اذنی که عبارتند از عقودی که منشأ اصلی آنها اذن مالک یا قائم مقام او می‌باشد و هیچ گونه تعهدی برای عاقد ایجاد نمی‌کند مانند عاریه و ودیعه.^۱ برخی معتقدند که عقود اذنی در مقابل عقود عهدی استعمال می‌شوند^۲ اما با نگرشی دقیق متوجه می‌شویم که بین عقود عهدی و عقود اذنی رابطه عموم و خصوص مطلق وجود دارد. به این صورت که در هر عقد اذنی نوعی تعهد وجود دارد بنابراین هر عقد اذنی، عقدی عهدی نیز می‌باشد ولی هر عقد عهدی عقدی اذنی نیست بلکه برخی از عقود عهدی مانند وکالت، اذنی هم هستند. لیکن برخی عقود عهدی دیگر مانند بیع یا اجاره عهدی را نمی‌توان اذنی محسوب نمود. علاوه بر این عقود اذنی قائم به شخص هستند یعنی تا هنگامی که شخص وجود دارد این عقود نیز وجود دارند ولی با فوت و حجر طرفین این عقود منفسخ می‌شود. در حالی که در عقود عهدی اینچنین نیست. علاوه بر این در درس حقوق مدنی ۷ دسته ای دیگر از عقود معین نیز مورد بررسی قرار می‌گیرند که دین موضوع اصلی آنهاست و اصل دین یا وثایقی را که در رابطه با دین گرفته می‌شود مطرح و بررسی می‌کنند مانند رهن، ضمان، حواله، کفالت.^۳

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۸۱)، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، چاپ دوازدهم، ص ۴۵۵

^۲ - همان، ص ۴۵۵

^۳ - طاهری، حبیب الله، (بی تا)، حقوق مدنی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، جلد چهارم، ص ۱۱

بنابراین آنچه را که در این کتاب مورد بررسی قرار خواهیم داد در ارتباط با عقود معین اذنی و وثیقه ای می‌باشد که عبارتند از: ودیعه، عاریه، وکالت، ضمان عقدی، حواله، کفالت و رهن. نکته ای که باید توجه نمود این است که در برخی از عقود اذنی مانند وکالت برای عاقد نیز تکالیفی به وجود می‌آید و برخلاف تصور برخی نویسندگان^۴ نمی‌توان به طور مطلق در مورد عقود اذنی بیان داشت که هیچ گونه تعهدی برای عاقد ایجاد نمی‌کنند.

عقد عهدی نیز همانطور که از نام آن پیداست عقدی است که اثر اصلی آن ایجاد تعهد است مثلاً در وکالت وکیل در برابر موکل متعهد به پیگیری امور حقوقی وی می‌شود. عقد عهدی در مقابل عقد تملیکی به کار می‌رود. اثر اصلی عقد تملیکی، تملیک مال به طرف مقابل است مانند بیع که به محض ایجاب و قبول تملیک حاصل می‌شود.

در تألیف حاضر با توجه به مواد قانون مدنی، به بررسی ماده به ماده مباحث مربوط به عقود مورد اشاره می‌پردازیم.

با توجه به تجربه ای که از دوران تحصیل خود و نیز تدریس دروس مختلف حقوق مدنی داشته ام، شیوه بحث ماده به ماده برای دانشجویان قابل فهم تر بوده و به دلیل ارتباط مستقیم با مواد قانونی و تکرار آنها، دانشجویان به خوبی بر قانون مسلط می‌شوند و نتیجتاً توانایی تجزیه و تحلیل مواد قانونی و ارتباط آنها با یکدیگر در آنها تقویت می‌شود. به همین دلیل سعی شده تا برای بررسی مواد قانون مدنی تأکید بیشتر بر روی منابع فارسی باشد تا برای استفاده دانشجویان دوره کارشناسی منبعی کامل و جامع در دسترس باشد و دانشجویان حقوق در درس حقوق مدنی ۷ کتابی با متنی آسان در اختیار داشته باشند.

با توکل بر خداوند متعال و ائمه اطهار و دماء شهداء، این راه ادامه خواهد یافت.

هم در ره معرفت بسی تاخته ام هم در صف عالمان سرانداخته ام

چون پرده ز پیش خویش برداشته ام بشناخته ام که هیچ نشناخته ام

^۱ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، همان، ص ۴۵۵

قانون مدنی

مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸

avabook.com

avabook.com

فصل اول: عقد ودیعه

مبحث اول: تعریف ودیعه و رکن آن:

ماده ۶۰۷: «ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای آنکه آنرا مجاناً نگاه دارد. ودیعه گذار را مودع و ودیعه گیر را مستودع یا امین می‌گویند.»

ودیعه مترادف امانت است و عبارت است از اینکه مالکی مال خود را به شخصی به امانت بدهد. بنابراین ودیعه عقد است و نیاز به طرفی دارد که آنرا قبول کند و علاوه بر این «سپردن»، رکن عقد ودیعه است. پس اگر شخصی بدون اطلاع متصدی دریافت، کیف و سایر وسایل خود را در کتابخانه رها کند نمی‌تواند ادعا نماید که آنها را سپرده است. نکته بسیار مهم این است که مفهوم «سپردن» تحویل دادن به صورت مادی یا به عبارت دیگر به قبض دادن نیست به همین علت ودیعه عقدی عینی^۱ نمی‌باشد.

تعهدی که بر گردن مستودع یعنی شخص ودیعه گیر قرار می‌گیرد از هنگامی است که مال تحویل وی شود نه از حین عقد. پس تحویل مال شرط ایجاد تعهد برای مستودع است نه شرط صحت عقد ودیعه. نکته دیگر اینکه ودیعه عقدی مجانی و بلا عوض است ولی به نظر می‌رسد که همانند هبه که می‌توان شرط عوض در آن قرار داد (ماده ۸۰۱ قانون مدنی)، در ودیعه نیز چنین شرطی بلا اشکال باشد. مطابق تفسیر منطقی و توضیحی و نه تفسیر تحت اللفظی محض، منظور ماده

^۱ - عقد عینی عقدی است که قبض در آن شرط صحت عقد است مانند بیع صرف و هبه.

فوق این نیست که حتماً عقد ودیعه بین دو نفر ایجاد می‌شود، بلکه ممکن است هر طرف عقد متشکل از چند شخص باشد. در رأی شماره ۱۹۹-۱۳۲۳/۷/۱-شعبه ۶ دیوان عالی کشور آمده: مطابق ماده ۶۰۷ قانون مدنی ودیعه عقدی است که به موجب آن یک نفر مال خود را به دیگری می‌سپارد برای اینکه مجاناً آنرا ننگه دارد بنابراین اگر خواهان اثاثیه مورد مطالبه را به خوانده نسپرده باشد بلکه از مندرجات صورت اثاثیه استفاده شود که جمعی از اشخاص خارج، صورت را نوشته اند و در ذیل آن تصدیق تسلیم اثاثیه به خوانده نموده باشند، در چنین موردی ودیعه و امانت بر این عمل صدق نمی‌کند تا از جمله عقود به شمار رفته و به گواهی گواهان قابل اثبات باشد. در رأی شماره ۲۶۱-۱۳۲۹/۲/۶ همان شعبه نیز آمده: بانک را نمی‌توان امین به اصطلاح قانون مدنی محسوب داشت و صرف احراز عدم سوء قصد و تعدی و تفریط او را موجب عدم مسئولیت او دانست بلکه در مورد دعوای کسی به مطالبه وجهی که بانک اشتباهاً بر اثر امضای جعلی او پرداخته دادگاه بایستی با در نظر گرفتن مقررات بانکی و موافقت نامه های تنظیمی در حدود اساسنامه دعوا را فصل نماید.

مبحث دوم: ایجاب و قبول در عقد ودیعه

ماده ۶۰۸: «در ودیعه قبول امین لازم است اگرچه به فعل باشد».

ودیعه عقد است و بنابراین علاوه بر ایجاب نیازمند قبول نیز هست. علاوه بر این چون قانون اجازه داده است، قبول بدون لفظ نیز می‌تواند صورت بگیرد (ماده ۱۹۲ قانون مدنی). در این صورت اگر مسئول پارکینگ اجازه ورود به اتومبیلی بدهد و قبض هم برای آن اتومبیل صادر کند هر چند لفظی هم به زبان نیاورد به منزله قبول امانت است.

مبحث سوم: مالکیت یا مآذونیت مودع

ماده ۶۰۹: «کسی می‌تواند مالی را به ودیعه گذارد که مالک یا قائم مقام مالک باشد و یا از

طرف مالک صراحتاً یا ضمناً مجاز باشد».